

حزب التحریر تهدید رو به رشد نه؛ بلکه دعوتِ خیر و چشم امید امت است

دیده بان اروپایی برای رادیکالیسم (European Eye on Radicalism) نوشته‌ی را تحت عنوان: «حزب التحریر: تهدید رو به رشد در افغانستان» به تاریخ 27 می 2020 به نشر رسانده است. نویسندگان از روش منفعلانه‌ی دولت افغانستان در قبال دعوت حزب انتقاد نموده و پیشنهاد کرده که مقامات افغان باید تهدید حزب التحریر را جدی بگیرند؛ زیرا نفوذ حزب در مناطق شهری و دهاتی افغانستان در حال گسترش است و به یک تهدید کلان برای حکومت مبدل می‌شود.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان بعد از مطالعه دقیق نوشته، نکات آتی را پیرامون آن قابل ذکر می‌داند:

نوشته نه به یک تحقیق می‌ماند و نه هم به یک مقاله رسانه‌یی که دارای منابع، مأخذ و نقل قول باشد؛ بلکه نویسندگان در یک نوشته پراکنده تلاش نموده تا با آوردن افواهات و معلومات ناقص و یک‌جانبه به زعم خودش از خطر حزب هشدار دهد. طوری که نویسندگان حتی در موضوعات بسیار ساده و ابتدایی در مورد حزب، دچار خطا شده است.

چنانچه نویسندگان در نسخه اول این گزارش نوشته بود که «حزب التحریر در سال 1952 در افغانستان تأسیس شده» که بعداً آن را براساس منبعی تصحیح نموده ولی با آن هم سال تأسیس حزب را 1952 نوشته، که هم منبع و هم نوشته تصحیح شده اشتباه می‌باشد. در جایی دیگر ادعا نموده که اگر فعالیت‌های صلح‌آمیز حزب التحریر نتیجه ندهد، حزب برای براندازی حکومت افغانستان به جهاد رُو می‌آورد. این دو معلومات ناقص در اول نوشته ثابت می‌سازد که به چه اندازه نویسندگان دچار لغزش جدی شده است. حالانکه حزب التحریر در سال 1953 در فلسطین بنیان‌گذاری شده و طریقه‌ی آن برای تأسیس خلافت، فکری - سیاسی بوده و استفاده از اهرم‌های خشونت‌آمیز را به‌هیچ طریقه‌ی تأسیس خلافت ردّ می‌کند.

همچنان نویسندگان در مورد رابطه‌ی حزب با سایر گروه‌ها نیز دچار اشتباه ژرف شده و به نقل از منابع ناشناس نوشته است: «فعالان حزب التحریر برای انجام ترورهای سیاسی با داعش، القاعده، گروه‌های افراطی در پاکستان و طالبان همکاری می‌کنند.» ادعای ترورهای سیاسی تهمت بسیار بزرگ و بدور از شأن و مبارزه مقدس حزب التحریر می‌باشد. هر کسی که اندک معلوماتی در مورد حزب و تاریخ مبارزه‌اش داشته باشد، به‌سادگی به بطلان این ادعا پی می‌برد. حزب به سیاسیون و رهبران امت منحیث یک سرمایه عظیم نگاه می‌کند و تلاش دارد تا با دعوت فکری و سیاسی خویش حمایت آنان را جلب نماید. نویسندگان بایست بابت این تهمت از پیشگاه الله سبحانه و تعالی طلب مغفرت نموده و از حزب پوزش بخواهد.

نویسندگان در بخش دیگری از نوشته‌اش آورده است: «منتقدان این گروه می‌گویند که حزب التحریر به عنوان بازوی فرهنگی داعش و سایر گروه‌های جهادی فعالیت نموده و در افغانستان و سوریه برای داعش سربازگیری و جنگ می‌کند.» این ادعا نیز همانند ادعای قبلی از اساس باطل و خلاف واقعیت مبارزاتی حزب در سراسر جهان می‌باشد. حزب التحریر از سال 1953 میلادی بدینسو برای ایجاد تغییرات بنیادی در جهان اسلام مبارزه فکری و سیاسی را آغاز کرد که در آن زمان القاعده، طالب و داعش وجود نداشت. همکاری حزب با داعش و سایر گروه‌های جهادی نیز یک اتهام نادرست بوده که از عدم شناخت دقیق حزب منشأ می‌گیرد.

تنها از مواردی که در این نوشته مورد تایید ما می باشد اینست که حزب التحریر در افغانستان رو به رشد بوده و هر آن چیزی را که غیر اسلامی باشد مانند: دموکراسی، نظام فعلی و قانون اساسی افغانستان مردود می پندارد. همچنان این که حزب ریشه ناپسامانی های افغانستان را در "حضور" امریکا و رژیم های غربی در این سرزمین می بیند.

امروزه مردم مسلمان و مجاهد افغانستان به خوبی درک می کنند که چه کسی برای افغانستان تهدید جدی است: حزب التحریر یا اشغال گران امریکایی و متحدین اروپایی اش؟ دیگر چهره ای اصلی تروریزم غربی که در دو دهه ی گذشته افغانستان را به "تابوتستان" مبدل ساخته و ارزش ها، مقدسات، حریم خانه ها و دارایی های مردم را با خطر مواجه نموده اند، برای مردم فاش شده است.

چنانچه گراف رو به رشد نفرت مردم از اشغال گران غربی و دست نشانده های شان و گراف رو به رشد محبوبیت حزب التحریر در افغانستان نشان می دهد که مردم کدام یکی را تهدید فکر می کنند؟ واقعیت ها نشان می دهد که امت، حزب را در آغوش گرفته و از آن حمایت می کند. چون حزب التحریر در پی ایجاد اغتشاش در جامعه و سقوط محض دولت ها نیست؛ بلکه حزب برای سلامتی دنیا و آخرت امت اسلامی، از طریق تأسیس دولت خلافت، تطبیق و حمل اسلام به جهان تلاش می کند و این امر برای امت ثابت شده است.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه افغانستان